

قدر دانی از حضور امت

ادامه از صفحه اول
وی افزود: نزدیک به ۵۰ سال است در جامعه اسلامی خود مفتخریم توحید مطلوب اسلام که مایه سعادت انسان‌هاست، در سطحی متفاوت در جامعه ما تجلی یافته‌است.
فرزند ارشد رهبر شهید انقلاب‌خاطر‌نشان کرد: در هر جامعه‌ای اگر اسام آن جامعه - به تعبیر روایت - «من‌الله» باشد، امتی که در ذیل رهبری او قرار دارد، از او تبعیت و اطاعت می‌کند و او را می‌پذیرد، به عالم بالا و آسمان متصل خواهد شد.
آیت‌الله سیدمصطفی خامنه‌ای در ادامه سخنان خود با ابلاغ پیام قدردانی رهبر انقلاب اسلامی از حضور گسترده مردم در آیین تشییع رهبر شهیدانقلاب اسلامی گفت:مأمور شده‌ام پیام تشکر و تقدیر رهبر معظم و معزز انقلاب را به خاطر برپایی این رستاخیز عظیم، چشمگیر و بی‌سابقه به همه مردم ابلاغ کنم.
وی با قدردانی از حضور مردم در این مراسم افزود: مردم عزیز ایران با وفاداری و بصیرت مثال‌زدنی خود، صحنه‌ای را رقم زدند که تحمل آن برای دشمن بسیار سنگین بود.فرزندارشد رهبر شهیدانقلاب اسلامی با اشاره به برگزاری مراسم تشییع در شهرهای مختلف اظهار کرد: مردم در تهران، قم و مشهد از سراسر کشور حضور یافتند و با تشکیل اجتماع میلیونی، جلوه‌ای ماندگار از همراهی با آرمان‌های انقلاب اسلامی را به نمایش گذاشتند.
آیت‌الله سیدمصطفی خامنه‌ای تأکید کرد: این حضور، پرشکوه، همان حقیقتی را که پیش‌تر به آن اشاره شد، محقق کرد و آن‌شاءالله در آینده نیز شاهد برکات و آثار ارزشمند آن خواهیم بود.

■ **یکس از مباحث مهمی که آیت‌الله سیدمصطفی**

خامنه‌ای در سخنان خود به آن پرداخت، صبر واستقامت مردم ایران در مسیر اسلام و آثار و برکات این صبر و استقامت بود.وی به این نکته مهم اشاره کرد که حضور میلیونی مردم ایران در آیین تشییع رهبر شهید، جلوه‌ای از پایدنی مردم ایران به اسلام و استقامت در مسیر توحید است.
فرزند ارشد رهبر شهید انقلاب، تبعیت از ولایت و رهبری را جلوه‌ای دیگر از حرکت جامعه ایران در مسیر توحیدی دانست.
آیت‌الله سیدمصطفی خامنه‌ای تصریح کرد صبر و استقامت مردم ایران در این مسیر، منافاتی با موضوع گرفتن انتقام خون رهبر شهید و دیگر شهدهای جنگ اخیر ندارد.
یکی از نکات مهم سخنان وی، اشاره به آثار مبارک حرکت مردم ایران در مسیر اسلام،بویژه حضور حماسی در مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب بود، فرزند ارشد رهبر شهیدانقلاب تصریح کرد در آینده نزدیک مردم ایران شاهد برکات و آثار ارزشمند حضور حماسی خود در مراسم تشییع پیکر پاک و مطهر رهبر شهیدانقلاب خواهند بود.

■ **مطالبه ملی انتقام**

روز گذشته نیز همانند مراسم‌های روزهای اخیر، مردم حاضر در مراسم بزر گداشت رهبر شهیدانقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، بارها با شعارهای خود خواستار گرفتن انتقام خون مطهر ایشان و دیگر شهدای جنگ شدند.موضوع انتقام از قاتلان و آمران شهادت رهبر شهیدانقلاب و دیگر شهدای ۲ جنگ اخیر، حالا به یک مطالبه ملی تبدیل شده است.
میلیون‌ها نفر از مردم حاضر در مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب در تهران، قم و مشهد یکصدا خواستار این انتقام شدند.
رهبر انقلاب اسلامی نیز در پیام قدردانی‌شان از حضور مردم در مراسم تشییع پیکر رهبر شهید، نکات بسیار مهمی درباره حق انتقام و قطعی و حتمی بودن تحقق این انتقام مطرح کردند.
تأکید رهبر انقلاب اسلامی بر موضوع انتقام، بازتاب‌های گسترده‌ای در دنیا داشت، به گونه‌ای که شخصی دونالد ترامپ نیز در چند نوبت به احتمال کشته شدن خوداشاره و حتی تهدید کرد دستور داده در صورت هلاک‌تش، حملات سنگینی به ایران شود.واکنش ترامپ به مطالبه ملی انتقام در ایران، نشان‌دهنده اهمیت آن و هراس او از این موضوع است.
تأکید مردم ایران و رهبر معظم انقلاب بر موضوع انتقام، تأثیر بسیار مهمی بر معادلات میان ایران و آمریکا داشته است.
کارشناسان معتقدند جمهوری اسلامی ایران با اعلام رسمی این سیاست که دارای یک پستوانه چندده میلیونی هم در ایران و هم در خارج از ایران است، باعث شده معادلات امنیتی ترامپ به‌شدت تحت تأثیر قرار گیرد.
حالا ترامپ با یک تهدید قانونی و شرعی مواجه است که نتهنها هیچ عاملی نمی‌تواند باعث رفع آن شود، بلکه صدها میلیون نفر در سراسر دنیا، هر یک می‌توانند عامل گرفتن انتقام از او باشند.
آیت‌الله‌العظمی سیدمجتبی خامنه‌ای در پیام اخیرشان، درباره موضوع انتقام، به نکته‌ای بسیار مهم اشاره کردند.
ایشان در فرازی از این پیام تصریح کردند آزادگان جهان، هر کدام می‌توانند بخشی از این انتقام باشند.
در پیام رهبر انقلاب اسلامی آمده است: «آنها باید بدانند این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسؤولان نیست.ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و بزودی احادی از آزادگان در سراسر دنیا هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.»
این بخش از پیام رهبر انقلاب اسلامی، به‌روشنی نشان می‌دهد موضوع انتقام، یک مساله مقطعی یا زودگذر نیست، به گونه‌ای که با گذشت زمان از دستور کار خارج یا حساسیت‌ها وارده‌ها برای تحقق آن کمرنگ شود.
از سوی دیگر، رهبر انقلاب این واقعیت را مطرح کرد که انتقام خون رهبر شهیدانقلاب و شهدای مظلوم جنگ‌های اخیر، صرفاً یک موضوع و مطالبه ایرانی نیست، بلکه این خواسته و مطالبه همه آزادگان سراسر جهان است.

بنابراین گرفتن انتقام خون رهبر شهید، نه تنها یک مطالبه ایرانی و شیعی یا حتی اسلامی نیست، بلکه این آزادگان در سراسر دنیا هستند که منتقم خون رهبر شهید خواهند بود.
بر همین اساس، اکنون این واقعیت آشکار شده که گرفتن انتقام خون رهبر شهیدانقلاب و چند هزار ایرانی شهید در جنگ‌های تحمیلی اخیر، اولاً یک مطالبه جهانی است و ثانیاًمنتقمان خون این شهدا، صرفاً ایرانی یا شیعه یا مسلمان نیستند، بلکه همه انسان‌های آزاده دنیا که به حقانیت جمهوری اسلامی و رهبر شهید انقلاب،همین‌طور باطل و جنایتکار بودن ترامپ و نتایجاو و دیگر عوامل جنایت‌اکیر در ایران پی برده‌اند، هر کدام بخشی از مأموریت انتقام را انجام خواهند داد.

سنتکام بامداد دیروز برای سومین روز متوالی، مناطقی در ایران را هدف قرار داد.
چند ساعت پیش از این حملات آمریکا به ایران، ترامپ در مصاحبه‌ای رادیویی اعلام کرد آمریکا قرار است برای ۲ شب متوالی مناطقی از ایران را مورد حمله قرار دهد.
پس از امضای تفاهمنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا، ارتش ایالات متحده چندین نوبت به ایران حمله نظامی کرده است.
به صورت مشخص، از ابتدای هفته تاکنون آمریکا هر شب مناطقی در ایران را هدف قرار داده است.

تفاهمنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا تقریباً از بین رفته است.
اگر چه ترامپ شامگاه دوشنبه در پاسخ به سوالی درباره وضعیت این تفاهمنامه گفت: هنوز نمی‌توانم بگویم تفاهمنامه پایان یافته‌است اما این یادداشت تفاهم در عمل لغو شده و اکنون هیچ کدام از طرفین، تعهدات خود در این توافق را اجرا نمی‌کنند.
ایران تنگه هرمز را مسدود کرده و طرف آمریکایی نیز، هم از لغو تعلیق تحریم فروش نفت ایران و هم از آغاز اعمال مجدد محاصره دریایی ایران در روز سه‌شنبه خبر داده است.
موضوع دسترسی ایران به دارایی‌های مسدودشده‌اش نیز معلق مانده است.
درباره لبنان نیز اگرچه بر اساس تفاهمنامه میان آمریکا و ایران، حملات رژیم صهیونیستی علیه لبنان متوقف شده اما به نظر می‌رسد طرف آمریکایی فعلاً تمایل دارد بر اساس توافق سه‌جانبه لبنان، رژیم صهیونیستی و آمریکا، این توقف جنگ ادامه داشته باشد.
به هر حال، عمر اجرای تفاهمنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا حتی به یک ماه نکشید.
این یادداشت تفاهم ۲ صفحه‌ای عملاً کنار گذاشته شده است، هر چند طرفین، از اعلام خبر مرگش خودداری می‌کنند.

■ **برجامبیزه کردن تفاهمنامه**

نخستین ذقایق بامداد پنجشنبه ۲۸ خرداد، زمانی که مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ، تفاهمنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا را امضا کردند، شاید حتی بدین‌ترین کارشناسان هم پیش‌بینی نمی‌کردند کمتر از یک ماه دیگر، همه مفاد این تفاهمنامه نقض شده و جنگ میان ۲ کشور از سر گرفته شود.
این تفاهمنامه دقیقاً همان جایی ضربه خورد که اکثر کارشناسان تصور می‌کردند عامل بقا و ماندگاری آن است:
شخص دونالد ترامپ.
ترامپ در روزهای پایانی مذاکرات به گونه‌ای رفتار کرد که بسیاری را به این اشتباه انداخت که مشتاق این تفاهمنامه است، با این حال، بودند برخی کارشناسان که صراحتاً عنوان می‌کردند این رفتار ترامپ و اعلام تمایل او به امضای تفاهمنامه خاتمه جنگ با ایران، یک نمایش جدید است و اساساً شخص ترامپ و ماهیت سیاست‌های او علیه ایران به گونه‌ای است که امکان حل و فصل اختلافات آمریکا با ایران از طریق دیپلماتیک را به صفر نزدیک می‌کند.
در عمل نیز همین اتفاق افتاد.
دقیقا ۲ هفته پس از امضای تفاهمنامه،

ترامپ در حاشیه اجلاس ناتو در ترکیه، اعلام کرد از نظر او این تفاهمنامه، خاتمه یافته‌است.
بهبانه ترامپ برای اعلام این موضع، اقدام ایران در هدف قرار دادن برخی شناورها در تنگه هرمز بود.
ترامپ مدعی شد این اقدام ایران نقض تفاهمنامه است و بر همین اساس، او در عمل آمریکا را از این تفاهمنامه خارج کرد؛ تصمیمی که یادآور اقدامش در خارج کردن آمریکا از برجام بود.
ادعای ترامپ مبنی بر نقض تفاهمنامه توسط ایران در تنگه هرمز، مثل بیشتر ادعاهای ترامپ، خلاف واقع بود.
این آمریکا بود که بند ۵ تفاهمنامه را رسماً نقض کرد.
در حالی که آمریکا در این بند متعهد شده بود تردد از تنگه هرمز با مدیریت ایران و بر اساس ترتیبات ایرانی انجام شود اما در عمل با دخالت در این تردد و انحراف ترافیک تردد به مسیر جنوبی در آب‌های عمان، تلاش کرد کنترل ایران بر آمد و شد در تنگه هرمز را مختل و با پیش‌بینی عدم عقب‌نشینی ایران از این موضوع، زمینه را برای برهم زدن تفاهمنامه فراهم کند.
کما اینکه اقدام شباب‌زده آمریکا در لغو تعلیق تحریم فروش نفت ایران، به‌روشنی نشان داد ترامپ این سناریو را از قبل طراحی کرده بود تا از زیر بار تعهدات تفاهمنامه خارج شده و تنش علیه ایران را تشدید کند.
اکنون نیز آمریکا شرایط را به قبیل از امضای تفاهمنامه بازگردانده است؛ با این تفاوت که این بار، حملات مکرری به جنوب ایران انجام می‌دهد.

■ **هدفش چیست؟**

ترامپ چه قبل از امضای تفاهمنامه، چنین نقشه‌ای در سر داشت و چه پس از امضا، نسبت به در پیش گرفتن مسیر دیپلماتیک تجدیدنظر کرده باشد، اکنون به عنوان منتهم بر هم زدن این تفاهمنامه، مسدودشدن تنگه هرمز و تشدید تنش با

گزارش «وطن امروز» درباره معادلات موجود میان ایران و آمریکا در تنگه هرمز

بازگشت ترامپ به شکست



ایران شناخته می‌شود.
بویژه پس از موضع روز دوشنبه او و ادعاها و مواضع محیرالعقولش مبنی بر باز بودن تنگه هرمز، تسلط آمریکا بر تردد در تنگه و همین‌طور اخذ عوارض ۲۰ درصدی از کشتی‌های عبوری توسط آمریکا، همه بازیگران منطقه‌ای و افرامطقه‌ای متوجه شدند با دیوانه‌ای مواجهند که بیماری بی‌ثباتی شخصیش تشدید شده است.

اکنون سؤال اساسی این است: این بیمار چه در سر دارد؟ هدف او از بر هم زدن عمدی تفاهمنامه چیست؟

اکنون چند فرضیه در این باره مطرح است.

۱- ترامپ به دنبال از سرگیری جنگ گسترده علیه ایران است.
به صورت مشخص، ارتش آمریکا به دنبال تسلط بر تنگه هرمز و حمله به جزایر ایرانی در جنوب کشور و احیاناً اشغال تعدادی از این جزایر است.
اهداف آمریکا در حملات اخیر به جنوب ایران نیز باعث شده احتمال این فرضیه افزایش یابد.
عامل دیگری که باعث افزایش احتمال این فرضیه می‌شود، مواضع مکرر ترامپ درباره اشغال جزیره خارک است.
چهارشنبه هفته گذشته ترامپ در حاشیه اجلاس ناتو، مجدداً این موضوع را مطرح و ایران را به اشغال جزیره خارک و تسلط بر منابع نفتی این جزیره تهدید کرد.
بر همین اساس، عده‌ای از کارشناسان معتقدند پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا و یکی از اصلی‌ترین مخالفان تفاهمنامه خاتمه جنگ آمریکا علیه ایران، این بار درباره حمله زمینی به جزایر ایرانی در خلیج فارس، طرحی را به ترامپ ارائه کرده که از نظر ترامپ قابلیت عملیاتی‌شدن را دارد.
ترامپ پس از شکست در جنگ ۴۰ روزه به‌شدت سرخورده شده است.
از همین رو، اولویت اصلی و شرایط ایده‌آل برای او، این است که بتواند در میدان جنگ علیه ایران، به یک پیروزی مهم و اثرگذار

در سومین روز دور جدید درگیری‌ها، نیروهای مسلح ایران تأسیسات مهم آمریکا در منطقه را منهدم کرد

از بحربن تا اردن، زیر آتش ایران

کنترل تنگه هرمز فراتر از یک مساله نظامی یا امنیتی ساده است و آزمون واقعی اراده ملی، قدرت بازدارندگی راهبردی، حاکمیت سرزمینی و عزم ایران برای دفاع از منافع خود و منطقه در برابر تجاوزات، ماجراجویی، و زیاده‌خواهی‌های آمریکا به شمار می‌رود.
از همان ۹ اسفند ۱۴۰۴ که آمریکا و رژیم صهیونیستی جنگ همه‌جانبه علیه ایران را با هدف براندازی، نابودی توانمندی‌های دفاعی و تجزیه سرزمینی آغاز کردند، جمهوری اسلامی مدیریت و حاکمیت کامل و قاطع خود بر تنگه اهربردی هرمز را اعمال کرد.
در تمام این ماه‌ها، اختیار تردّد، عبور و مرور کشتی‌ها، نفتکش‌ها و شناورهای تجاری عملاً با ایران بوده و مسیرهای امن و مجاز توسط نیروهای مسلح کشورمان تعیین، نظارت و در صورت لزوم اجرا می‌شده‌اند.
این حاکمیت، ریشه در حقوق تاریخی، جغرافیایی و اصول بین‌المللی حقوق دریاها دارد و ایران به عنوان قدرت اصلی و صاحب ساحلی آبراه، مسؤولیت تأمین امنیت آن را بر عهده گرفته و به‌خوبی ایفا کرده است.

در مقابل، ایالات متحده از همان روزهای اول جنگ، تمام ظرفیت خود را برای گرفتن این ابتکار عمل از ایران به کار بست.
با حملات هوایی مکرر به تأسیسات ساحلی، تهدیدات مستقیم مقلمات، ایجاد مسیر موزای ادعایی، فشار دیپلماتیک و اقتصادی بر کشورهای همسایه و اعلام و اعمال محاصره دریایی، واشگتن به دنبال تضعیف توان ایران در کنترل تنگه بوده است اما همه این تلاش‌های متعدد و پی در پی تاکنون به نتیجه نرسیده و با شکست مواجه شده‌اند.
ایران نه‌تنها عقب‌نشینی نکرده، بلکه با هر اقدام جدید، پاسخ‌های فوری ارائه کرده و نشان داده ارادهاش برای حفظ حاکمیت بر تنگه هرمز خلل‌ناپذیر است.
در دور فعلی درگیری‌ها، استراتژی آمریکا ترکیبی پیچیده از ۲ هدف هم‌زمان است:
ایجاد یک مسیر مجزا و موزای از مسیرهای تعریف‌شده و مورد تأیید ایران در تنگه هرمز و تضعیف قدرت و توانمندی عملیاتی ایران در کنترل آبراه.
این رویکرد جدید حملات مستقیم به سواحل، تحریک کشتی‌های تجاری برای عبور غیر مجاز، فشار رسانه‌ای و دیپلماتیک بر کشتی‌داران بین‌المللی و تلاش برای ایجاد روایت «یا بودن تنگه تحت کنترل آمریکا» است اما واقعیت‌های میدانی، کاهش شدید تردد کشتی‌ها و گزارش‌های مستقل حاکی از آن است تلاش جدید نیز مانند تلاش‌های قبل، با موانع جدی فنی، نظامی و میدانی مواجه شده و نتوانسته تغییری ایجاد کند.
در این چارچوب، دونالد ترامپ بار دیگر سیاست محاصره دریایی علیه ایران را فعال کرده و در اظهاراتی اعلام کرد کشتی‌های ایرانی یا مشتریان آنها متوقف خواهند شد و حتی هزینه عبور ایمن را از سایر شناورها مطالبه خواهد کرد.
این سیاست قبلاً هم اجرا شده بود اما نه‌تنها نتوانست تنگه را بازگشایی کند، بلکه ابتکار عمل را بیشتر به دست ایران سپرد، هزینه‌های اقتصادی برای مصرف‌کنندگان جهانی انرژی را افزایش داد و از نظر سیاسی

متحده در بحربن به‌شدت هدف قرار گرفت، مخازن سوخت آن به آتش کشیده شد، رادار پاترپوت، رادار کنترل هوایی ناوگان و سامانه دارای اخطار اولیه C-RAM به طور کامل منهدم‌ومرکز کنترل ومانیتورینگ قایق‌های هدایت‌پذیر بدون سرنشین نیز نابود شد.

در اطلاعیه شماره ۹، سپاه پاسداران به طور مستقیم خطاب به مردم اردن، با اشاره به میزبانی آن کشور از تجهیزات و پایگاه‌های آمریکایی در شمال‌های اخیر (به‌ویژه در جریان جنگ ۴۰ روزه) تأکید کرد: «سحرگاه امروز زرمندگان اسلام در مرحله سوم موج دوم عملیات نصر۲ با رمز «یا لثارات الحسین»، تانسیسات مهم و محل استقرار دشمن آمریکایی در یک پایگاه هوایی تحت اشغال ارتش کودک کش آمریکا در خاک شما را که از آن برای حمله به ما استفاده شده بود، هدف موشک‌های بالستیک قرار دادند و جنایتکاران آمریکایی را به سزای عمل‌شان رساندند.

در اولین روز تجاوز رژیم مستکبر آمریکا با استفاده از همین پایگاه‌ها ۱۶۸ کودک دانش‌آموز معصوم و معلمان آنها را در میاب، قطعه‌قطعه کرد.
خوب می‌دانید ما نه‌تنها با کشور شما دشمنی نداریم، بلکه شما مردم نجیب را خیلی دوست داریم؛ شما که بیش از هر ملتی درها و مظلومیت ملت فلسطین را درک می‌کنید و از جنایات رژیم صهیونیستی در کشتار ۷۰ هزار فلسطینی از جمله ۲ هزار کودک در غزه که با دخالت مستقیم آمریکا صورت گرفت، اطلاع دارید.

مطالبه جدی شما در بر چیده شدن پایگاه‌های اشغالگران آمریکایی از منطقه کمک بزرگی به نجات مردم فلسطین و بازگشت امنیت به منطقه است.
سرافرازى اردن آرزوی ما است.»
همچنین ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز سامانه‌های ارتباطی، مخازن سوخت، سامانه پاترپوت، برج مراقبت و انبار مهمات ارتش تروربست آمریکا در کویت را هدف حمله پهپادهای انهدامی خود قرار داد.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در پاسخ به حملات موشکی به برخی مراکز نظامی نیز با شلیک موشک‌های کروز، شناور متخاصم دشمن آمریکای را هدف قرار داد.

همچنین عصر روز سه‌شنبه در پاسخ به حملات تجاوزکارانه ارتش آمریکا به قشم، پایگاه نظامی این کشور در کویت مورد اصابت موشک‌های بالستیک ایرانی قرار گرفت.
صدای انفجارها به حدی مهیب بود که شهروندان عراق نیز آن را شنیدند.

■ **جنگ بر سر تنگه هرمز**

دور جدید درگیری‌ها را هرچند هنوز به ابعاد تمام‌عیار و گسترده جنگ ۴۰ روزه نرسیده و بیشتر در محدوده آب‌ها، سواحل و پایگاه‌های منطقه‌ای خلیج فارس متمرکز مانده، باید جنگ ارده‌ها بر سر کنترل تنگه هرمز نامید.
اهمیت این تقابل به هیچ‌وجه کمتر از مراحل ابتدایی جنگ ۴۰ روزه نیست، زیرا قلب تپنده اقتصاد انرژی جهان، آبراهی که بیش از ۲۰ درصد نفت خام جهان از آن عبور می‌کند، در کانون آن قرار دارد.



دور جدید درگیری‌های مستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا که ریشه در محلات تجاوزکارانه ارتش تروریست آن کشور به مناطقی از جنوب ایران و تلاش‌های آشکار و مداوم آن برای مداخله در مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز دارد، روز سوم خود را پشت سر گذاشت.
این درگیری پس از یک دوره نسبی آرامش و در پی نقض صریح تعهدات از سوی آمریکا در چارچوب تفاهمنامه اسلام‌آباد، به‌سرعت بالا گرفته و خلیج فارس را بار دیگر به صحنه تقابل رو در رو بدل کرده است.
روز گذشته، نقای در استان‌های بوشهر، هرمزگان و خوزستان هدف حملات هوایی ارتش متجاوز آمریکا قرار گرفت.
این حملات که عمداً بر تأسیسات ساحلی، مراکز پشتیبانی نظامی و زیرساخت‌های کلیدی متمرکز بود، بخشی از استراتژی گسترده‌تر واشگتن برای ایجاد اختلال در کنترل ایران بر آبراه حیاتی هرمز به شمار می‌رود.
هدف آمریکا تضعیف توان بازدارندگی ایران و مجبور کردن تهران به پذیرش مسیرهای موزای غیرمجاز است اما این اقدامات تجاوزکارانه، مانند دفعات پیشین، نه‌تنها به نتیجه دلخواه واشگتن نخواهد رسید، بلکه تاکنون با پاسخ سریع و قدرتمند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مواجه بوده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته با صدور اطلاعیه‌هایی، جزئیاتی از عملیات مقابله به مثل را به اطلاع عموم رساند.
طبق اطلاعیه شماره ۶، دو فروند سوپرنفتکس متخلف که تحت تحریم مستقیم ارتش تروریست آمریکا قرار گرفته بودند، با خاموش کردن سامانه‌های ناوبری، نادیده گرفتن اخطارهای مکرر مرکز کنترل امنیت تنگه هرمز و عبور از مسیرهای غیرقانونی و مین‌گذاری‌شده، امنیت کشتیرانی را به مخاطره انداختند.
این شناورها مورد اصابت دقیق قرار گرفتند و از کار افتادند.
نیروی دریایی سپاه در این اطلاعیه به همه طرف‌ها هشدار داد همکاری با دشمن متجاوزی که از هزاران کیلومتر دورتر ت آمده تا حقوق مردم منطقه را تضعیع کند، جز پشیمانی، خسارات سنگین مالی، تأخیر طولانی در بازگشایی امن تنگه و ایجاد بحران انرژی جهانی، نتیجه دیگری نخواهد داشت.
عملیات گسترده‌تر با نامگذاری «صر ۲» ادامه یافت.

در اطلاعیه شماره ۷، سپاه از حمله موفق به چندین انبار پشتیبانی تسلیحاتی، مرکز ارتباطات ماهواره‌ای و اقامتگاه نیروهای آمریکایی در پایگاه جغیر بحربن خبر داد.
این اهداف، نقاط حیاتی لجستیکی، ارتباطی و پشتیبانی ارتش آمریکا بودند که آسیب به آنها، هماهنگی عملیاتی واشگتن در منطقه را به شکل جدی مختل می‌کند.

ساعاتی بعد، در اطلاعیه شماره ۸، سپاه پاسداران اعلام کرد در مرحله دوم موج عملیات، ناوگان پنجم دریایی ایالات

برسد.
با این حال بیشتر کارشناسان معتقدند این یک سناریوی تخیلی است.
به اعتقاد کارشناسان نظامی، ریسک این سناریو برای نظامیان آمریکایی بسیار بالاست؛ زیرا شکست در عملیات و دادن تلفات انسانی بسیار بالا کاملاً محتمل است.
پس از توقف جنگ روزنامه وال‌استریت ژورنال فاش کرد در بحبوحه جنگ علیه ایران، این سناریو بارها توسط مقامات نظامی آمریکا مورد بررسی قرار گرفت اما در نهایت به خاطر ریسک بالا و احتمال زیاد شکست، ترامپ آن را از روی میز برداشت.
با وجود افشاگری وال‌استریت ژورنال، به نظر می‌رسد رویای تحقق این سناریو همچنان ترامپ را قلقلک می‌دهد.
کما اینکه چهارشنبه هفته گذشته، ترامپ مجدداً آن را بر زبان آورد و از اقدام احتمالی آمریکا برای اشغال جزیره خارک گفت.

۲- در میانه جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و در روزهایی که ترامپ با استیصال به دنبال پیدا کردن راهی برای خروج از باتلاق جنگ بود، برخی کارشناسان و محافل نزدیک به لابی‌های جمهوری صهیونیستی در آمریکا این ایده را مطرح کردند که آمریکا به صورت یکجانبه، جنگ را متوقف کرده اما محاصره دریایی علیه ایران را اعمال کند.
در واقع هدف طراحان این ایده آن بود که آمریکا از یک سو از باتلاقی جنگ خارج شود و از سوی دیگر بدون توافق و دادن امتیازی به ایران، همچنان تنش و فشار علیه ایران را حفظ کند.
ضمن اینکه با حفظ آرایش نظامی در منطقه، ایران را در محاصره وضعیت نه جنگ، نه صلح قرار دهد.
با این حال، ترامپ به این دلیل از پذیرش این ایده خودداری کرد که اعتقاد داشت پس از شکست سنگین در میدان جنگ، او برای احاطه حیثیت خود، نیاز به یک دستاورد دارد.
ضمن اینکه حزب جمهوری خواه نیز به خاطر نگرانی از باخت سنگین در انتخابات آتی، ننگره، معتقد بودند ترامپ نهایتاً باید با یک دستاورد، از جنگ با ایران باز گردد.
ریاست‌جی‌دی ونس بر تیم مذاکره‌کننده آمریکا نیز این موضوع را تأیید کرد.
با انتشار مفاد تفاهمنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا، در آمریکا بویژه دموکرات‌ها انتقادات گسترده‌ای را از ترامپ مطرح کردند.
آنها با مقایسه مفاد این تفاهمنامه با برجام، اعلام کردند ترامپ رسماً تسلیم خواسته‌های ایران شد.
با وجود این انتقادات گسترده، امثال ونس و سران جمهوری خواه معتقد بودند پس از شکست ترامپ در میدان جنگ، حتی حصول یک توافق ضعیف، به مراتب بهتر از عدم توافق با ایران است.
بویژه اگر این تفاهمنامه منجر به حصول توافق نهایی با ایران بر سر برنامه هسته‌ای شود.
به هر حال ترامپ نهایتاً خواسته جمهوری خواهان را اجرا کرد.
هرچند مشخص بود، او تمایل چندانی ندارد به واسطه این تفاهمنامه، اعتبار و موقعیت ونس در افکار عمومی آمریکا و محافل سیاسی دنیا بهبود یابد.

ادامه در صفحه ۴

نیز برای دولت آمریکا بار سنگینی ایجاد کرد.
به نظر می‌رسد اقدام جدید نیز سرنوستی مشابه داشته باشد؛ زیرا محاصره در برابر اراده یک قدرت ساحلی با قابلیت‌های موشکی پیشرفته، پهپادهای انتحاری، مین‌گذاری هوشمند و جنگ نامتقارن، عملاً ناکارآمد، پریسک و غیر قابل تلاوم بلندمدت است.

■ **چرا آمریکا نمی‌تواند؟**

ایسن واقعیت تلخ و غیر قابل انکار برای واشگتن، حتی در رسانه‌های آمریکایی نیز بازتاب یافته و به اعتراف به محدودیت‌های قدرت نظامی و استراتژیک آمریکا منجر شده است.
شبهه سی‌پی‌اس روز گذشته در حالی که تبادل آتش در تنگه هرمز ادامه دارد، گزارشی منتشر کرد که صراحتاً به دشواری‌های آمریکا در گرفتن کنترل تنگه هرمز از ایران ادعا می‌کند.
سی‌اس تأکید کرد ترامپ با وجود استفاده از همه ابزارها -از حملات هوایی و محاصره دریایی گرفته تا مذاکرات، تهدیدات وعده ناوودی - نتوانسته تردد نفتکش‌ها را به سطح پیش از جنگ بازگرداند.
کارشناسان معتقدند این کار احتمالاً نیازمند یک ناوگان بسیار بزرگ‌تر از آنچه اکنون در اختیار آمریکاست یا حتی دهها دهها هزار سرباز آمریکایی روی کشتی‌های تجاری خواهد بود.
سی‌پی‌اس با استناد به اظهارات «جی‌سون کمپبل» تحلیلگر سابق پنتاگون و پژوهشگر مؤسسه ند توضح داد ایران دهها تیرانداز نامتقارن در خلیج فارس آماده شده، تأسیسات تولید سلاح خود را به نقاط پراکنده و متعدد قرار داده، نیروهای عملیاتی‌اش را غیرمتمرکز نگه داشته و به همین دلیل، حملات هوایی به نهایی کافی نیست.
کمپبل صراحتاً اشاره کرد هیچ رئیس‌جمهور آمریکا پس از رونالد ریگان حاضر به ورود به این سطح از درگیری مستقیم و طولانی با ایران نشده، زیرا هزینه انسانی، مالی و سیاسی آن بسیار بالاست و ریسک اختلال کامل در جریان انرژی جهان را به همراه دارد.
کارشناسان دیگر سی‌پی‌اس، مانند «اریک لاب» از بنیاد کارنگی نیز به جنبه اقتصادی و سیاسی ماجرا اشاره می‌کنند و می‌گویند این «آزمون اراده» نشان می‌دهد ایران چقدر حاضر به تحمل فشار اقتصادی است و چقدر این فشارها می‌تواند برای ترامپ و جمهوری صهیونیستی در آستانه تحلیات میان‌دورهای آمریکا تبدیل به شکست سیاسی شود.
«مایکل آیزنشتات» مدیر برنامه مطالعات نظامی و امنیتی در مؤسسه واشگتن برای سیاست خاور نزدیک و «وام ایدان» دیگر تحلیلگر این موسسه نیز هشدار دادند اسکورت کشتی‌ها در محیط فعلی بسیار پریسک و پرهزینه است؛ ناوگان آمریکا کوچک‌تر از دهه ۱۹۸۰ است و حتی تهدیدهای ساده از طریق کاتال رادیویی دریایی توسط ارتش کافی است تا بسیاری از دریانوردان را بترساند و تجارت را فلج کند.
«کلیتون سیگل» تحلیلگر مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) نیز اشاره کرد وعده‌های اولیه ترامپ برای کمک نظامی گسترده به کشتیرانی با واقعیت ریسک‌پذیری و محدودیت‌های عملی آمریکا در برابر ایران، همخوانی ندارد.

تصویب سازوکار برگزاری جلسات مجلس در مواقع اضطرار

در این ماده امکان‌پذیر نباشد، جلسه صحن با اطلاع‌رسانی به نمایندگان در محل دیگری غیر از محل دائم یا در بستر فضای مجازی تشکیل می‌شود».
همچنین روز گذشته انتخابات اعضای مجلس رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس در اجلاسیه سوم دوره دوازدهم، در این کمیسیون‌ها به صورت الکترونیک برگزار شد.
بر این اساس سیدشمس‌الدین حسینی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس باقی ماند، علی بابایی کارنامی برای سومین سال متوالی به عنوان رئیس کمیسیون اجتماعی انتخاب شد،

این طرح با ۲۱۱ رأی موافق، ۳۵ رأی مخالف و ۲ رأی متنع از مجموع ۲۵۹ نماینده حاضر در صحن تصویب شد.
در ادامه جزئیات طرح مذکور مورد بررسی نمایندگان مجلس قرار گرفت که با ۲۱۰ رأی موافق، ۳۰ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۵ نماینده حاضر در صحن، به تصویب رسید.
بر اساس ماده یک اصلاحی، «در مواقع اضطرار و شرایط خاص کشور که بنا به تشخیص هیأت رئیسه مجلس، حضور نمایندگان و برگزاری جلسات صحن مجلس در محل مذکور

حجت‌الاسلام موسی احمدی در ریاست کمیسیون انرژی ابقا شد، محمدمهدی مفتاح به عنوان رئیس کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس برگزیده شد، محمدصالح جوکار برای سومین سال پیاپی رئیس کمیسیون شوراها شد، ابراهیم عزیزی به عنوان رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس باقی ماند، رضا علیزاده رئیس کمیسیون صنایع مجلس شد و حجت‌الاسلام مرتضی آقاچه‌رانی به عنوان رئیس کمیسیون فرهنگی و محمدجواد عسکری نیز به‌عنوان رئیس کمیسیون کشاورزی انتخاب شدند.